



The Spiritual Approach to Waiting in Ayatollah Khamenei's Thought and Novel Spiritualities

Hamid Reza Mazaheri Seif¹

Received: 05/01/2020

Accepted: 04/02/2020

Abstract

Spirituality today refers to an independent field of study that deals with issues related to the inner world of man and the internal relationship between the general public and God. Ayatollah Khamenei is one of the thinkers who considers spirituality in the literal sense and evaluates it as an important factor in human life and future developments in the world. Hence, the spiritual approach to the waiting is the subject of this paper.

The research was conducted by qualitative content analysis method and the realm of data collection is the speeches of the Supreme Leader of Iranian Revolution about the waiting. The sampling method was purposeful and sequential. So that the search began with the keyword "waiting" and continued with commonly used and related concepts such as "justice" and "spirituality" and the statements from the speeches of the Supreme Leader that contained the most epistemological data were analyzed.

The findings of the study include describing spirituality from the perspective of the Supreme Leader of the Revolution, explaining the relationship between justice and spirituality, the relationship between spirituality and the waiting, and defining and analyzing the concept of the waiting into three categories: protest, religious democracy, and readiness. From the viewpoint of the Supreme Leader of the Revolution, the relationship with Imam al-Zaman (as) is a heart relationship that forms a kind of spiritual experience and is a personal and living relationship during which a person understands the presence of the Imam with his heart and feelings. Rival views are categorized into two categories: old-fashioned spirituality and novel spirituality.

Keywords

Spirituality, the relationship between justice and spirituality, the spiritual experience of waiting, novel spirituality, the Supreme Leader of Iran.

1. Researcher and graduate of level four of Qom Seminary, Iran. hrms57@gmail.com

رویکرد معنوی به انتظار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

و معنویت‌های نوظهور

حمیدرضا مظاهری سیف^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۵

چکیده

معنویت امروزه به حوزه مطالعاتی مستقلی اطلاق می‌شود که به مسائل مربوط به عالم درون انسان و رابطه درونی عموم مردم با خداوند (امر قدسی) می‌پردازد. آیت‌الله خامنه‌ای از اندیشورانی است که معنویت را به معنای اصطلاحی در نظر دارند و آن را در حیات بشری و تحولات آینده جهان مهم ارزیابی می‌کنند؛ از این رو رویکرد معنوی به انتظار، موضوع این مقاله قرار گرفته است.

تحقیق به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده و قلمرو گردآوری داده‌ها، سخنرانی‌های رهبر انقلاب درباره انتظار است. روش نمونه‌گیری هدفمند و متوالی بوده است؛ به طوری که جست‌وجو از کلیدواژه «انتظار» آغاز شد و با مفاهیم پر کاربرد و مرتبط نظیر «عدالت» و «معنویت» ادامه یافت و فزاینده‌ای از سخنان رهبر معظم که بیشترین داده‌های معرفتی را دربرداشت، مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق، شامل توصیف معنویت از دیدگاه رهبر انقلاب، تبیین رابطه عدالت و معنویت، رابطه معنویت و انتظار و تعریف و تحلیل مفهومی انتظار به سه مقوله اعتراض، مردم‌سالاری دینی و آمادگی است. از منظر رهبر انقلاب رابطه با امام زمان علیه السلام یک رابطه قلبی است که نوعی تجربه معنوی را رقم می‌زند و یک رابطه شخصی و زنده است که طی آن، فرد با قلب و احساسش حضور امام را درک می‌کند. دیدگاه‌های رقیب در دو مقوله معنویت متحجرانه و معنویت‌های نوظهور دسته‌بندی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها

معنویت، رابطه عدالت و معنویت، تجربه معنوی انتظار، معنویت نوظهور، رهبر معظم انقلاب.

hrms57@gmail.com

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران.

* مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۹۹). رویکرد معنوی به انتظار در اندیشه رهبر معظم انقلاب و معنویت‌های نوظهور.

Doi: 10.22081/jm.2020.57921.1007

فصلنامه علمی - تخصصی جامعه مهدوی، ۱(۱)، صص ۱۶۱-۱۸۶.

مقدمه

اعتقاد به آمدن منجی، یک اعتقاد فراگیر در ادیان و مذاهب گوناگون است (شاکری زواردهی، ۱۳۸۷). پیروان ادیان گوناگون هر یک به نامی، اعتقاد و امید به منجی جهان را مطرح کرده‌اند. تمایز باور شیعیان به مهدویت با سایر ادیان و مذاهب در این است که: یکم، مهدویت را به صورت یک مسئله مبهم و پیچیده بیان نمی‌کند؛ بلکه منجی را به نام و نشان و خانواده و سن و سالش دقیق معرفی کرده است (خامنه‌ای، ۹۰/۰۴/۱۸ الف؛ ۸۱/۷/۳۰؛ ۷۴/۱۰/۱۷؛ ۸۷/۰۵/۲۷ الف).

دوم، اینکه شیعیان معتقدند او زنده است و در جامعه و در میان ما زندگی می‌کند؛ به طوری که همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است و هر روز ممکن است زمان قیامش فرا برسد (خامنه‌ای، ۸۱/۰۷/۳۰؛ ۷۴/۱۰/۱۷؛ ۸۷/۰۵/۲۷ الف).

این ویژگی‌ها موجب شده است باور به منجی جهانی در تفکر شیعه، بسیار زنده و تأثیرگذار باشد و زندگی مردم را در ارتباطی معنوی شکوفا سازد؛ ارتباطی که در ظاهر شکل نگرفته، ولی به لحاظ معنوی، بسیار قدرتمند، زندگی‌بخش، تحول‌آفرین و برانگیزنده است.

رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای - حفظه الله - به انتظار از درون مایه‌ای معنوی برخوردار است. این بزرگوار آرمان مهدوی را ساختن جامعه‌ای عدالت‌بنیان و شکوفا می‌داند، که دوران جدیدی را در زندگی بشر رقم می‌زند. دورانی که «دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌هاست» (خامنه‌ای، ۹۰/۰۴/۱۸ الف) همچنین یکی از مهم‌ترین شرایط انتظار را خودسازی معنوی و شباهت یافتن به شرایط دانسته است که پس از ظهور ایجاد می‌شود. پیوند معنویت و انتظار در اندیشه رهبری، وثیق است و در مقابل آن، نگرش‌های معنوی دیگر هم وجود دارند که انتظار را به گونه‌ای متفاوت ارائه می‌دهند. در این میان، دو تفکر معنوی متحجرانه سنتی و معنویت‌های نوظهور، با رویکرد معنوی آیت‌الله خامنه‌ای حفظ الله تفاوت‌های مهمی دارند که در این تحقیق بررسی خواهد شد.

رویکرد تحقیق، پدیدارشناسی است. این رویکرد کاملاً تفسیری و با تمامی

مشخصات تحقیقات کیفی است. تحقیقات پدیدارشناسی در یک فرایند دوری انجام می شود و به صورت خطی از یک چارچوب نظری آغاز نمی گردد (ایمان، ۱۳۹۴، ص ۶). این رویکرد به دنبال تعلیق^۱ همه قضاوت‌ها درباره آن چیزی است که دستیابی به نگرش طبیعی خواننده می شود (ایمان، ۱۳۹۴، ص ۱۱)، تا از این طریق به تجربه زیسته^۲ یا جهان ذهنی موضوع تحقیق دست یابد. باید توجه داشت که پدیدارشناسی یک رویکرد است، نه دانش و نه روش، بنابراین در عمل، به روش‌ها و تکنیک‌هایی نیاز دارد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۷). برای تحلیل پدیدارشناختی براساس الگوی تحلیل محتوای، کیفی مرحله‌ای ذکر شده است؛ از جمله: برجسته‌سازی بیانات مهم و معنادار، مقوله‌بندی یافته‌ها، ترکیب توصیفات متنی و ساختاری تحقیق به منظور کشف ذات موضوع تحقیق (ایمان، ۱۳۹۴، ص ۲۸-۲۹). این مراحل به درک جهان معنایی سوژه کمک می کند.

در اینجا از طریق گردآوری سخنان رهبر معظم انقلاب در باب انتظار و کدگذاری محتوایی این سخنان، مقولات اصلی تحقیق به طور ظهوریابنده^۳ و بدون استفاده از چارچوب نظری پیشین استخراج شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و متوالی بوده است؛ به طوری که از کلیدواژه انتظار و معنویت آغاز شد و با مفاهیم پرکاربرد و مرتبط با انتظار و معنویت نظیر عدالت، مردم‌سالاری و... ادامه یافت، تا به مرحله اشباع^۴ رسید. همزمان با فرایند گردآوری، مقوله‌بندی هم پیش رفت و فرازهایی از سخنان رهبر فرزانه که بیشترین داده‌های معرفتی را دربرداشت در قالب مقولات مرکزی قرار گرفت. در این فرایند، مفهوم «معنویت» همنشینی زیادی با مفهوم انتظار در سخنان رهبری دارد. با کدگذاری نظام‌مند و کشف روابط بین این مفاهیم و مقوله‌ها، ساختار مقاله شکل گرفت و رویکرد معنوی به انتظار در اندیشه رهبر استخراج شد.

تعدادی از کدها شامل نقدهایی بود که به برخی از جریان‌های معنوی اشاره داشت.

1. Epoche.
2. Liced experience.
3. Opportunistic & Emergent Sampling.
4. Saturation.

به طور کلی اهم این نگرش‌های نامقبول از دیدگاه رهبر معظم به دو گروه معنویت‌گرایان متحجر سنتی و معنویت‌گرایان نوظهور تقسیم می‌شود که در این مقاله، هر دو، نقد و بررسی می‌شود. در خصوص معنویت‌های نوظهور که نقدها و تعریض‌های رهبری اشاره‌وار است، با ذکر نمونه‌هایی سعی شده است دیدگاه این جریان‌ها دربارهٔ منجی جهانی توصیف گردد، تا تمایزها و مزیت‌های رویکرد معنوی به انتظار در اندیشه رهبری شفاف شود.

معنویت

کاربرد مفهوم معنویت در سال‌های اخیر، بسیار افزایش یافته؛ «چنان‌که گویی تودهٔ عظیمی از تعاریف مبهم، بر هم انباشته شده است» (اسپیلکا، ۱۳۹۰، ص ۱۲). تعاریف ارائه‌شده معمولاً معنویت را شخصی‌تر و درونی‌تر از دین ارزیابی می‌کنند. معنویت اغلب برای اشاره به «بخش تجربی و شخصی رابطهٔ ما با امر متعالی یا مقدس» به کار می‌رود (نلسون، ۱۳۹۵، ص ۲۴). «رابطه» مفهوم کلیدی در این عبارت است. انسان می‌تواند رابطه‌ای قلبی و درونی با امر مقدس^۱ برقرار کند و به این ترتیب تجربه‌ای معنوی داشته باشد. به نظر می‌رسد دمیده‌شدن روح الهی در وجود انسان زمینه، این ارتباط را فراهم کرده است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۷۸)؛ از این رو میل و گرایش به «جست‌وجوی امر مقدس»^۲ (پارگامنت، ۱۳۹۵، ص ۶۱) یا به تعبیر دینی گرایش به خداوند در وجود ما هست.

رهبر معظم انقلاب معتقد است معنویت یعنی «رابطه و اتصال قلبی با خداوند» به عبارت دیگر: «مجدوب‌شدن در مقابل لطف الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۱/۰۱ الف). مفاهیم «رابطهٔ قلبی» و «مجدوبیت» کدهای مهمی در این عبارات هستند؛ به ویژه مجدوبیت، نشانه‌ای از تجربهٔ معنوی و تغییر احوال درونی در رابطه با خداست. دو عبارت پیش‌گفته با هم نسبت اعم و اخص دارند. در حقیقت، مجدوب‌شدن نوعی رابطهٔ نزدیک‌تر و خاص

1. Sacred.

2. a search for the sacred.

است که هر نوعی از رابطه و اتصال قلبی، این ویژگی را ندارد. می‌توانیم این تفاوت را به معنای مراتب معنویت در نظر بگیریم، به این ترتیب که هر یک از این دو تعریف، مرتبه‌ای از معنویت را معرفی می‌کنند و در نتیجه معنویت، واقعیتی پویا و شکوفایی‌پذیر در درون انسان است.

استعداد معنویت، حقیقتی موجود در نهاد همه انسان‌هاست؛ از این رو می‌توان همه انسان‌ها را به «جست‌وجوی» آن یا «رابطه» با امر متعال یا خداوند دعوت کرد و اگر کسی از این بخش وجودش غفلت نمود و آن را پرورش نداد، او را سزاوار سرزنش دانست. استعداد علو و ترقی و تعالی در افراد انسان بی‌نهایت است (خامنه‌ای، ۹۱/۰۷/۲۰). با بهره‌گیری از این استعداد می‌توانیم تا بی‌نهایت به سوی خدا برویم و وجود خود را در رابطه با او به شکوفایی برسانیم. رهبر معظم انقلاب، گاه با تعبیر «اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده» (خامنه‌ای، ۶۹/۰۳/۱۰)، از استعداد روحی یاد فرموده است. اقتدار بی‌نهایت «یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن» (خامنه‌ای، ۶۹/۰۳/۱۰). این امکان فوق‌العاده در همه انسان‌ها وجود دارد. کسانی که این نیرو و استعداد را در راه خدا به کار می‌گیرند و شکوفا می‌سازند، راه و هدف زندگی را یافته‌اند. در غیر این صورت، استعداد روحی نامحدود انسان را به هیولاهایی سیری‌ناپذیر تبدیل می‌کند که شالوده عدالت را درهم می‌شکنند. هم از این رو انسان می‌تواند «مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی» باشد، و گاه می‌تواند «محل بروز زشتی‌ها و پستی‌های بی‌همانند» شود (خامنه‌ای، ۸۰/۰۶/۱۵).

استعداد روحی، نامحدود است و معطوف شدن آن به امور محدود دنیایی در اثر غفلت از خداوند، موجب برانگیختگی سیری‌ناپذیر می‌شود. این وضعیت، نوعی حالت فریب‌گونه است که موجب آسیب‌های معنوی و به دنبال آن، آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌شود. امام خمینی علیه السلام پدیده کمال‌مطلق‌پنداری امور دنیایی را ناشی از «خطا در تطبیق» دانسته، آن را به عنوان کژروی خداگرایی فطری و میل به کمال مطلق تعریف می‌کند (خمینی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). روان‌شناسان نیز نمودهای افراطی در امیال و رفتار انسان را

تحت عنوان خدایان دروغین، بررسی کرده‌اند (نلسون، ۱۳۹۵، صص ۲۶۹-۲۷۵؛ پارگامنت، ۱۳۹۵، ص ۲۶۹) استعداد روحی نامحدود هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. ما می‌توانیم آن را نادیده بگیریم؛ ولی نمی‌توانیم آن را از بین ببریم.

رابطه عدالت و معنویت

استعداد روحی در رابطه با خدا، رو به شکوفایی می‌رود و اگر در رابطه با امور محدود دنیایی قرار گیرد، به زیادی خواهی می‌رسد در این وضعیت به طور سیری ناپذیری همه حدود را در هم می‌شکند و از همین جاست که ظلم و ستم پدید می‌آید. گرایش به امور دنیایی، انسان را به هیولایی سیری ناپذیر تبدیل می‌کند؛ که از هر حیوانی خطرناک‌تر خواهد شد. فرعون و قارون هم استعداد تکامل معنوی را داشتند، ولی آن را تباه کردند (خامنه‌ای، ۷۷/۱۰/۲۸). این قابلیت نامحدود است که سبب حدشکنی و ظلم و ستم می‌شود. موجوداتی که این قابلیت را ندارند، نمی‌توانند به ستمگرانی مثل انسان تبدیل شوند.

استعداد روحی مفهومی است که رابطه عدالت و معنویت را تبیین می‌کند. استعداد روحی اگر در جهت شکوفایی معنوی باشد، دیگر قابلیت برای ظلم و ستم در کار نخواهد بود و امکان برقراری عدالت فراهم می‌شود. و اگر معنویت نبود، استعداد معنوی به استعدادی برای ظلم و ستم تبدیل می‌شود و در جهت تباهی جاری می‌گردد. افرادی که به امکانات قدرت دست پیدا می‌یابند و استعداد روحی نامحدودشان به دنیا معطوف می‌شود، هیچ ظلم و ستمی را فرو نمی‌گذارند. در مقابل، کسانی که دستشان به امکانات قدرت نمی‌رسد، زیر سلطه و ستم دیگران قرار می‌گیرند و در گسیختگی از رابطه با خدا می‌کوشند، تا در پناه قدرت‌های دنیایی منافع خود را تأمین کنند و این قدرت‌ها را بی‌نهایت و شکست‌ناپذیر می‌پندارند. جنگ‌ها، استکبارها، ظلم‌ها، شکاف‌های طبقاتی، غارت ثروت ملت‌ها و فقر بر اثر نبود معنویت است (خامنه‌ای، ۸۳/۳/۲۷). استعداد روحی که در مسیر شکوفابخش ارتباط با خدا قرار نگرفته است؛ این نتایج را به بار می‌آورد.

جوامع بشری فراتر از انواع تقسیمات و دسته‌بندی‌ها از دو طبقه سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تشکیل می‌شود. این دو طبقه مکمل هم، و نیروهای اصلی جامعه برای

تداوم بی‌عدالتی هستند. این ساختار فاسد ممکن است در یک کشور میان حاکمان و مردم شکل بگیرد یا در عرصه بین‌الملل در میان کشورهای مختلف، گروهی سلطه‌گر شوند و گروهی دیگر سلطه‌پذیر. در هر صورت «نظام سلطه» فاسد است و برای تحقق عدالت تغییر نظام سلطه ضروری است (خامنه‌ای، ۹۳/۱۱/۲۷؛ ۸۷/۱۱/۱۹؛ ب؛ ۹۷/۰۶/۱۵). سلطه‌گران با تکیه بر دانش، فریبکاری و قدرت نظامی، سلطه‌پذیران را زیر سلطه می‌آورند (خامنه‌ای، ۸۷/۰۱/۰۱ ج). در این میان، سلطه‌پذیران با سکوت و تسلیم شدن، سلطه‌گران را تشویق و تقویت می‌کنند (خامنه‌ای، ۸۷/۰۱/۰۱ ج) و نظام سلطه را تداوم می‌بخشند. غالب تاریخ حیات بشر، تاریخ شکل‌گیری ساختارهای سلطه‌گرانه در جامعه است. «همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسان‌ها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار می‌برد» (خامنه‌ای، ۸۱/۰۷/۳۰).

مجاهدت و مقاومت، یک جریان اجتماعی است که برای خروج از «قاعده سلطه‌گر-سلطه‌پذیر» نقش ضروری دارد. مجاهدان برخلاف نظام سلطه حرکت می‌کنند (خامنه‌ای، ۹۷/۰۶/۱۵) و نظم سلطه‌گرانه جامعه را به آشوب می‌کشند و امنیت را از سلطه‌گران می‌گیرند. مجاهدان، گروهی هستند که در اثر حرکت در مسیر شکوفایی معنوی با خدا ارتباط نزدیک برقرار کرده، از منبع قدرت شکست‌ناپذیر الهی برخوردارند؛ هم‌اکنون رو از قدرت‌های دنیایی نمی‌هراسند و با ایمان به خدا و امید به آینده‌ای روشن مبارزه می‌کنند.

معنویتی که در تعارض با نظام سلطه قرار می‌گیرد، ماهیتی رهایی‌بخش دارد و روی‌آوری به آن، زمینه‌ساز رهایی از سلطه و ستم است. انسان‌هایی که استعداد روحی‌شان را در رابطه با خداوند قرار داده و در مسیر شکوفایی معنوی حرکت می‌کنند، نه ظلم می‌کنند و نه ظلم را می‌پذیرند. با وجود معنویت، قدرتمندان انگیزه‌ای برای ستم پیدا نمی‌یابند و پاسدار حریم عدالت می‌شوند و جامعه را بر پایه اهداف و ارزش‌های معنوی سامان می‌دهند. با این وصف معنویت و عدالت دست در دست هم دارند. در

جایی که معنویت نیست، اثری از عدالت نخواهد بود. هر جا عدالت باشد، قطعاً معنویت هم هست و استعداد روحی مردم در ارتباط با خدا می‌شکفتد. تغییرات اجتماعی در جهت از بین بردن نظام سلطه و برقراری عدالت، بی‌تردید از معنویت آغاز می‌شود. ابتدا باید گروهی پیدا شوند که استعداد روحی را در خود کشف کنند و به درستی بشناسند و آن را در رابطه‌ای شکوفابخش با خداوند قرار دهند؛ آن گاه با گسترش آگاهی‌های اجتماعی، مردم را به وضعیت انتظار برسانند و نظام سلطه را متزلزل سازند.

انتظار

انتظار یعنی ترقُّب و منتظر یک امر قطعی بودن (خامنه‌ای، ۹۰/۰۲/۱۸ ب). انتظاری که به وعده الهی و شهادت وجدان تأییدشده، از قطعیتی برخوردار است که موجب تقویت ایمان و خیزش‌های پرتوان اجتماعی برای تغییر وضع موجود می‌شود. تحلیل مفهومی انتظار سه مؤلفه اصلی را پیش روی ما می‌گذارد:

۱. انتظار، شامل نوعی اعتراض است. شخص منتظر نسبت به بی‌عدالتی و ظلم در جامعه، حساس است و نمی‌تواند در برابر آن، بی‌تفاوت باشد. عدالت‌خواهی، زمانی از یک بازی سیاسی فراتر می‌رود که شخص منتظر، زمینه دنیاطلبی را در دل خود تضعیف کرده و از نظر معنوی توانمند شده باشد. در غیر این صورت، عدالت‌خواهی او نیز از سر منفعت‌طلبی خواهد بود و در نقطه‌ای که عدالت‌خواهی با منافع شخصی تعارض کند، زبان اعتراض بریده می‌شود. کسی که سر در پیله خود نکرده باشد و به زندگی دنیایی دل خوش نباشد، به طور طبیعی حالت انتظار دارد (خامنه‌ای، ۸۷/۰۵/۲۷ د) و انگیزه‌های درونی او مانع از اعتراض به وضع ظالمانه موجود نمی‌شود. بنابراین عدالت‌خواهی بدون معنویت جویی، واقعیتهای ندارد.

۲. مردم‌سالاری دینی: امام موعود با مشارکت مستضعفان به ظلم در جهان پایان می‌دهد و جهان را از عدل و داد لبریز می‌سازد؛ مشارکتی که با تکیه بر ابعاد معنوی انسان شکل می‌گیرد. تا زمانی که مردم در حصار منافع مادی خود محصور باشند، مردم‌سالاری دینی زمینه تحقق نمی‌یابد. افراد می‌توانند به تنهایی منتظر ظهور باشند؛ اما

لازم است جامعه، آمادگی ظهور را بیابد، تا انتظارها به سر برسد؛ زیرا مهدی موعود «با کمک همین انسان‌ها»، «سیطره ظلم» را از بین برده، «عدل» را حاکم می‌کند و «پرچم توحید» را می‌افرازد. تا زمانی که مردم نخواهند و تصمیم نگیرند و آمادگی همکاری و همراهی با امام زمان را نداشته باشند، انتظار ثمربخش شکل نمی‌گیرد و ظهور اتفاق نمی‌افتد. «امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آن‌هاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۰/۰۷/۸۱). گردآوری مردم و تشکیل یک حکومت که با زور و قدرت روی کار نیامده است، ناگزیر بر اساس ارزش‌های عمیق معنوی و الهی امکان‌پذیر است. انتظار بدون تبدیل شدن به آرمانی مشترک و شکل دادن به عزم عمومی، تحولات ضروری و زمینه‌ساز برای ظهور در جامعه را به وجود نمی‌آورد.

مردم‌سالاری بدون شکوفایی معنوی و ایجاد انسجام اجتماعی بر اساس ارزش‌ها و نگرش‌های معنوی امکان‌پذیر نیست. تا زمانی که مردم بر اساس خواهش‌های نفسانی زندگی می‌کند، مردم‌سالاری‌های دروغین از جامعه برمی‌آید. هواپرستی میان مردم فاصله می‌اندازد و در این شرایط مردم‌سالاری پناهگاهی است که ضعیفان جامعه برای حفظ حقوق خود به آن پناه می‌برند و قدرتمندان برای تداوم سلطه بر جامعه شعار آن را سر می‌دهند و استبدادها را در لباس دموکراسی به صحنه می‌آورند.

۳. آمادگی سومین مؤلفه مفهومی انتظار است. انتظار تنها یک آرمان مبهم و رویایی نیست. «جوهر انتظار، آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم» (خامنه‌ای، ۲۷/۵/۸۷ الف). آمادگی به اهداف ظهور مربوط می‌شود. یکی از مهم‌ترین اهداف ظهور و وجوه آمادگی منتظرانه، معنویت است. «وقتی بناست در آن دوران منتظر، عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد، ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم» (خامنه‌ای، ۱۸/۰۴/۹۰ الف). اگر تلاش برای رسیدن به قدرت، همراه با شکوفایی معنوی نباشد، به عدالت منتهی نخواهد شد، و قدرتمندانی ستم‌پیشه به جای ستمگران قدرتمند پیشین

می‌نشینند. «کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند» (خامنه‌ای، ۸۱/۰۷/۳۰). معنویت است که قدرت را به ابزار عدالت گسترتری تبدیل می‌کند. مجاهدت منتظرانه از جهاد با نفس آغاز می‌شود و در میدان جهاد با ستمگران و قدرتمندان ظالم ادامه می‌یابد.

انتظار به منزله یک تجربه معنوی

معنویت از رابطه قلبی با خدا به رابطه قلبی با ولی خدا امتداد پیدا می‌کند. مؤلفه‌های پیش‌گفته یعنی اعتراض، مردم‌سالاری دینی و آمادگی برای تغییر، با رابطه‌ای عمیق و قلبی مردم با موعود منتظر حاصل می‌شود. رابطه درونی و قلبی با ولی خدا به صورت تجربه‌ای معنوی قابل تعریف و تحلیل است.

تجربه معنوی یا به تعبیری تجربه دینی^۱ مواجهه با امر الهی است (پترسون، ۱۳۷۶، ص ۳۵)؛ مواجهه‌ای درونی که در قلب رخ می‌دهد و انسان را به درک و دیدار خداوند می‌رساند (مظاهری سیف، ۱۳۹۴، صص ۲۹-۷۳). قلب، دارای چشم و گوشه‌ای معنوی است که با آن، حقایق معنوی را درک می‌کند (نصرتی، ۱۳۹۷، ص ۵۶). تجربه‌های معنوی از نوع «معرفت شهودی» هستند و به صورت هیجانانگیز و آگاهی‌هایی بروز پیدا می‌کنند (پراود فوت، ۱۳۹۳، صص ۱۱۱-۱۴۱). هیجانانگیز و شناخت‌هایی که از تجربه‌های معنوی برمی‌آید، به عنوان نشانه‌های تجربه معنوی در تحلیل و شناسایی تجربه‌های معنوی به کار می‌آیند.

نشانه‌شناسی تجربه‌های معنوی معلوم می‌کند که تجربه‌های معنوی در رابطه با ولی خدا نیز رخ می‌دهند. دلی که حضور خدا را درک می‌کند و با او انس و رابطه‌ای مجذوبانه دارد، تشنه ملاقات با مثل‌اعلای الهی و آیین تمام‌نمای کمال مطلق است. استعداد روحی که در رابطه با خدا شکوفایی می‌شود، در رابطه با ولی خدا و «وجه الله» نیز شیدایی و شکوفایی را تجربه می‌کند؛ زیرا آنچه مربوط به خدا و نمایاننده اوست، در رابطه قلبی با خدا نقش‌آفرین و در شکوفایی استعداد روحی مؤثر است. «نفس پیوند

1. Religious experience.

قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیله پیشرفت انسان را - روحاً و معنأ - فراهم می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۷۴).

درک حضور ولی الله و دیدن او با چشم دل، امکان، پذیر است و رکن استواری برای انتظار واقعی و زنده به شمار می‌آید. در غیر این صورت، انتظار یک خیال واهی و مرده بیش نیست که هیچ نیروی برانگیزنده‌ای ندارد. معنویت وقتی با «انتظار یک موجود حی و حاضر» جمع شود، انسان را برمی‌انگیزد و نیروی بسیاری به قلب‌ها می‌بخشد (خامنه‌ای، ۱۸/۰۴/۹۰ الف). درک حضور امام زمان یک درک و ارتباط شخصی و جزئی است، نه یک مفهوم ذهنی از امام و اعتقادی که از مفهوم ذهنی فراتر نمی‌رود. زمانی که ایمان در دل نشست، چشمی می‌شود که با آن می‌توان دید. چشم ظاهر امام زمان را نمی‌بیند؛ ولی چشم دل، او را می‌بیند و به وجود و حضورش یقین می‌ابد. تقویت ایمان و توجه قلبی و روحی به امام زمان، راه دست‌یابی به تجربه معنوی انتظار و درک حضور اوست.

امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه خلائق، اگر چه غایب است و ظهور نکرده؛ اما حضور دارد. مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش حس می‌کند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز می‌کنند؛ دعای ندبه را با توجه می‌خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه می‌کنند و می‌نالند، می‌فهمند چه می‌گویند. آن‌ها حضور این بزرگوار را حس می‌کنند؛ ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمی‌زند (خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۷۴).

برای درک بهتر تجربه معنوی انتظار می‌توانیم از تحلیل یک تجربه معنوی فراگیر آغاز کنیم. معمولاً انسان‌ها در شدت سختی با تمام قلب و توجه به یاد خدا می‌افتند. قرآن کریم مثال کشتی گرفتار در توفان را بارها بیان کرده و یادآوری مخلصانه خداوند را مطرح نموده است (عنکبوت، ۶۵؛ یونس، ۲۲؛ لقمان، ۳۲). این یادآوری، یک یادآوری ذهنی و مفهومی نیست؛ بلکه یادآوری قلبی و شهودی است. در تنگنا و شرایط رنج‌بار، امیدها و جاذبه‌های دنیایی از پیش چشم انسان کنار می‌رود و چشم دل، بی‌پرده به روی امید

حقیقی و قدرت مطلق و مهربانی باز می‌شود که حاضر و ناظر احوال ماست و همه امور به دست اوست. این یک تجربه معنوی است که فراتر از مفاهیم کلی ذهنی، خداوند را مشهود دل انسان می‌کند.

احساس نیاز به منجی موعود و دست قدرت الهی برای پایان دادن به ظلم، در امتداد همین گرایش فطری و تجربه معنوی است. «همه انسان‌های طول تاریخ، نسبت به این پدیده عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند» (خامنه‌ای، ۷۴/۱۰/۱۷). «انتظار» یک تجربه معنوی و گرایش روشن فطری است و به دوره خاصی از تاریخ یا پیروان دین و مذهب خاص اختصاصی ندارد و «بین همه ادیان مشترک است» (خامنه‌ای، ۸۷/۰۵/۲۷ الف؛ ۹۰/۰۴/۱۸ الف). کسانی که به حب دنیا و عافیت طلبی دل نبسته‌اند، ادراکات باطنی فعالی دارند و با چشم دل امام زنده و حاضر را می‌بینند. این درک و معرفت، آنان را توانمند می‌سازد تا با ظلم مبارزه کنند و تحولات لازم برای ظهور را در جامعه رقم بزنند.

در باورهای شیعی، گرایش فطری به ظهور منجی جهانی کاملاً شفاف و واقعی ارائه شده است. «خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است» (خامنه‌ای، ۸۷/۰۵/۲۷)؛ واقعیتی که حضورش را می‌توان احساس کرد، نه به صورت خواب و رویا، بلکه حضوری حقیقی و حی و حاضر. «شیعه خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید» (خامنه‌ای، ۷۴/۱۰/۱۷). این احساس حضور از طریق قوای ادراکی قلب و مشاعر باطنی امکان‌پذیر است. درک حضور شخصیتی واقعی و حاضر در میان ما که حضورش سرشار از لطف و قدرت و خیر و برکت است. این را واقعا می‌توانیم با قلب خود بفهمیم و جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌ماند.

نشانه‌شناسی تجربه معنوی انتظار

تجربه معنوی انتظار، نشانه‌های شناختی و هیجانی متعددی دارد. نشانه‌های این

تجربه، ترکیبی است از امید، اطمینان، درک لطف و قدرت الهی و اراده او که مستضعفان را وارث زمین خواهد کرد. اولین و آشکارترین نشانه هیجانی تجربه معنوی انتظار، محبت و اندوه فراق است. غم عشقی که قلب منتظران را می فشرد، اشک‌ها را فرومی ریزد و ناله‌ها را بلند می کند. احوال دگرگون منتظران، نشانه این است که آنان با دل خود و با وجود و حواسشان حضور امام را حس می کنند (خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۷۴). این شوق دیدار و درد فراق ناشی از احساس حضور امام معصوم و صبوری است که سال‌ها منتظر بوده تا مردم برای آمدن او آماده شوند و توانایی لازم برای زیستن در ولایت او را بیابند.

امید، نشانه هیجانی دیگر برای تجربه معنوی انتظار است. امید به اینکه «نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است» (خامنه‌ای، ۳۰/۱۷/۸۱). این امیدواری، یک نشانه هیجانی است که نشانه‌های شناختی متعددی را به همراه دارد؛ درک نابودی و بطلان ظلم و درک آینده عادلانه جهان در تقدیر و اراده الهی و... همچنین این نشانه با رفتارهای شکوهمند ظلم‌ستیزانه و مقاومت در برابر قدرت‌های دنیایی پدیدار می شود. «امید، موجب می شود که انسان به مبارزه پردازد و راه را باز کند و پیش برود. ... این، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات الله علیه و ارواحنا فداه - است» (خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۷۴).

تجربه معنوی انتظار، شهادت را هم به همراه می آورد. وقتی حضور امام موعود را احساس می کنی، ترس‌ها و تردیدها از بین می رود و از رنج‌ها و زمین خوردن‌ها و دشمنی‌ها نمی هراسی. مردمی که در دل‌هاشان امید می درخشد، ترسان و تسلیم نمی شوند و این از خصوصیات اعتقاد به مهدی - علیه آلاف التَّحیة والثناء - است. (خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۷۴). انتظار ظهور منجی و امداد غیبی به این معنا نیست که کارها را رها کنیم و از میدان بگریزیم. کمک غیبی در میدان مبارزه و با ایستادگی و مقاومت می آید (خامنه‌ای، ۱۹/۶/۸۴). نخبگان سیاسی دنیا از این تجربه معنوی محروم هستند و در نتیجه، امید و شهادت مبارزه با ظلم را ندارند.

امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلم‌های مراکز قدرت بین‌المللی و سیستم

جهانی ظلم که امروز به سرکردگی استکبار در همه دنیا وجود دارد صحبت می‌کنیم، می‌بینیم آن‌ها می‌گویند بله؛ چیزی که شما می‌گویید، درست است؛ واقعاً ظلم می‌کنند؛ اما کاری نمی‌شود کرد! یعنی مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آن‌هاست، اسیر یأس و ناامیدی هستند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند... اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند (خامنه‌ای، ۸۱/۷/۳۰).

به طور طبیعی سلطه‌گران، تأثیر امید را بر تحول نظام سلطه می‌دانند و می‌کوشند «امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند» (خامنه‌ای، ۷۴/۱۰/۱۷). و خود را شکست‌ناپذیر و مبارزه‌نیروهای تحت سلطه را بیهوده نشان دهند. «می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن، هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است» (خامنه‌ای، ۸۱/۰۷/۳۰)؛ زیرا اعتقاد و ایمان به موعود، دل‌ها را برای تجربه معنوی انتظار و درک حضور امام موعود آماده می‌کند.

امید به آمدن منجی، انسان را برمی‌انگیزد، تا برای تغییر آماده شود. وقتی انسان در شدت سختی‌ها گرفتار می‌شود و به یاد خدا می‌افتد، همچنان آماده است تا از فرصت‌ها برای نجات استفاده کند و بی‌تحرک در گوشه‌ای نمی‌نشیند، تا اگر راهی باز شد، او هم نجات یابد؛ بلکه به محض دیدن روزه‌ای برای نجات، به سوی آن می‌شتابد و اگر مردمی آنجا هستند که می‌تواند با کمک آن‌ها زمینه‌های نجات را فراهم کند، آرام نمی‌گیرد و می‌کوشد از ظرفیت و مشارکت آن‌ها برای فراهم آوردن شرایط نجات و رهایی، استفاده کند. در رابطه با انتظار منجی نیز همین اصل فطری ثابت است و کسی که امیدوار به ظهور منجی است، از پاننشسته و آماده استفاده از فرصت‌ها و هم‌افزایی میان مردم است، تا دست به دست هم داده، زمینه‌های بیداری و تحول را فراهم کنند. به این ترتیب از تجربه معنوی انتظار، امید و شهامت و آمادگی برای تغییر برمی‌آید و با وجود این هیجان‌ها فرد برمی‌خیزد، تا جامعه را برای تغییر آماده کند.

یأس سیاسی معنویت متحجرانه

یک جریان فکری و معنویت گرا پیش از انقلاب پدید آمد و پس از آن نیز به حیات خود ادامه داد که معتقد بود: در زمان غیبت امام، جامعه شیعه باید از سیاست کنار بکشد و دست روی دست بگذارد و به نصیحت کردن اکتفا کند (خامنه‌ای، ۸۱/۷/۳۰). معتقدان به این نگرش، مجالسی به نام امام زمان برگزار می‌نمایند و تصور می‌کنند وظیفه‌ای که در پیشگاه امام زمان دارند، به انجام رسانده‌اند. این تفکر، وسیله‌ای برای «تخدير» سلطه‌پذیران و توجیه ناامیدی آن‌هاست.

انتظار با رویکرد یأس سیاسی می‌گوید: ما نمی‌توانیم با قدرت‌های ظالم و سلطه‌گر مبارزه کنیم، پس تنها وظیفه ما دعا برای ظهور است. آنان با تجویز انتظاری منفعل و سلطه‌پذیرانه، می‌پندارند که واجب است فقط خود را حفظ کنند و در سکوت فقط منتظر باشند، تا زمان ظهور فرا برسد. در واقع ناامیدی از تغییر و احساس ناتوانی از حرکت و اقدام مؤثر، موجب شده است آنان به این برداشت از دین برسند که حق ندارند حرکتی در این زمینه انجام دهند. بررسی پیشینه رهبران این جریان نشان می‌دهد که در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت، بسیار امیدوار و انقلابی بودند؛ اما با شکست این حرکت، دچار یأس سیاسی شدند و فهمشان از دین، تحت تأثیر این تجربه قرار گرفت، به طوری که هر قیام دیگری را محکوم به شکست و اساساً غیرمجاز تلقی کردند.

ناامیدی در این پندار موج می‌زند؛ زیرا امید، نشانه‌هایی دارد و صرفاً ادعای امید و انتظار، واقعیت آن را نشان نمی‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ رَجَا شَيْئاً عَمِلَ لَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۸). کسی که به چیزی امید دارد، برای رسیدن به آن، کار و تلاش می‌کند و کسی که از چیزی می‌ترسد، از آن می‌گریزد؛ پس از کسی که نشسته و دست روی دست گذاشته، ادعای امیدواری پذیرفته نیست.

وقتی مردم امیدوارند، حرکت و تلاش می‌کنند. در مقابل تلاش مردم، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقاومت کند. کسانی که خیال می‌کنند اسلام باید برود و در گوشه‌ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، این‌ها دانسته یا ندانسته

همان چیزی را می‌گویند که مراکز قدرت جهانی آن را می‌خواهند و آرزو می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۷۴).

نشانه امید به ظهور منجی، زمینه‌سازی و آماده کردن شرایط جهانی و افکار مردم برای پذیرش ظهور است. تا برای برقراری حکومت عدل و پذیرش احکام دین و برقراری حکومت اسلامی آماده شوند. ترکیبی از ناامیدی و عافیت‌طلبی، رویکرد یأس سیاسی را بر ساخته است. عافیت‌طلبی یعنی انتخاب ساده‌ترین راه برای مبارزه و سرگرم شدن به حفظ جان و مال و منافع خود در برابر اقداماتی که در جهت بیداری جهانی و تضعیف نظام سلطه می‌توان انجام داد. همین مبارزه‌های شجاعانه و امیدوارانه و شهادت‌های مظلومانه و افتخارآمیز است که موج بیداری جهانی را گسترش می‌دهد و به سایر مردمان سلطه‌پذیر نشان می‌دهد که می‌توانند با نظام سلطه مخالفت کنند و در برابر آن بایستند. بنابراین رویکرد یأس سیاسی به انتظار از جهت زیربنای معنوی و معرفتی، دچار ضعف شدید است.

انتظار منجی در معنویت‌های نوظهور

ترویج عرفان‌های نوظهور که غالباً از خارج کشور نفوذ پیدا کرده است (خامنه‌ای، ۲۰/۰۷/۹۱) یکی دیگر از برنامه‌های مقابله با انقلاب اسلامی و انتظار آماده‌گر و تحول‌آفرین در تفکر شیعی است. عرفان‌های کاذب با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام ترویج می‌شود (خامنه‌ای، ۲۷/۰۷/۸۹) و هدفش تضعیف دین و تغییر زیربنای معنوی حرکت انقلابی و منتظرانۀ مردم ایران است. عرفان‌های کاذب یا معنویت‌های نوظهور معنویتی تحریف‌شده و دروغین را عرضه می‌کنند که برای نسل جوان، بسیار فلج‌کننده است (خامنه‌ای، ۲۰/۰۷/۹۱). این جریان‌ها، مردم به ویژه جوانان را از قیام برای خدا در درون و اصلاح نفس، باز می‌دارند و به دنبال آن، موجب ناتوانی آن‌ها در قیام اجتماعی برضد ظلم می‌شوند. به این ترتیب، تفکر عدالت‌خواهانه و عزم تحول‌جویانه‌ای را که برای زمینه‌سازی ظهور و انتظار فعال لازم است، از بین می‌برند. بسیاری از معنویت‌های نوظهور به نوعی ادعای منجی و موعودبودن را مطرح

می‌کنند. برخی از آن‌ها به صراحت این ادعا را پیش می‌کشند و برخی دیگر به طور غیرمستقیم، با اشاره و در پرده سخن می‌گویند؛ برای مثال جریان رائلینان^۱ جنبش معنوی یک شبه است که در فرانسه به دست کلود وریلهون^۲ پایه‌گذاری شد. او معتقد است موجودات فضایی، انسان‌ها را در زمین آفریده‌اند و اکنون با بحران‌هایی که سیاره زمین و جوامع بشری را تهدید می‌کند، به فکر افتاده‌اند طریحی را برای نجات بشر ارائه دهند. او مدعی است که موجودات فضایی او را به فضا برده و طرح خود را به او داده‌اند و از او خواسته‌اند، نقش نجات‌بخشی و هدایت مردم دنیا را بپذیرد (وریلهون، ۱۹۷۵، ص ۱۷۶).

لی هنگچی^۳ (۱۳۸۶) مدعی دیگری است که از چین برخاسته و خود را نجات‌بخش بشر معرفی کرده است. او آموزش‌هایش را با نام فالون دافا^۴ ارائه می‌دهد و مدعی است که این تعالیم، هزاران سال پیش توانسته است بشر را از نابودی مطلق نجات دهد و اکنون بعد از هزاران سال دوباره این آموزش‌ها به وسیله او برای نجات انسان‌ها آشکار شده است.

شبه‌جنبش‌های داخلی نظیر عرفان حلقه ادعای منجی‌بودن را کمی پیچیده‌تر مطرح کرده‌اند. محمدعلی طاهری (۱۳۸۹) پایه‌گذار عرفان حلقه، منجی را با این ویژگی معرفی می‌کند که او قرآن را رمزگشایی خواهد کرد؛ سپس خودش مدعی می‌شود که قرآن را رمزگشایی کرده و مطالبی را می‌گوید که تا کنون کسی به درک آن‌ها نرسیده است. البته این دعا به طور مکرر در سخنان طاهری (۱۳۸۷) و شاگردانش مطرح شده و در برخی نوشته‌هایش به آن اشاره کرده است. به این ترتیب مقدماتی را ادعا می‌کند که نتیجه‌اش منجی‌بودن است و این باور را در ذهن مخاطبان می‌پروراند که او منجی بشریت و موعود جهانی است. این مقدمات در کنار ادعاهای دیگری نظیر ارتباط با شعور کیهانی یا جبرئیل و توانایی برقراری اتصال‌هایی که افراد را به کمال می‌رساند، پندار منجی و

1. Raëlism.

2. Claude Vorilhon.

3. Li Hongzhi.

4. Falun Dafa.

موعود بودن او را در نظر مریدان شیفته تقویت می‌کند.

رهبر معظم انقلاب، با تأکید بر اصل انس با امام زمان و احساس حضور او (خامنه‌ای، ۷۴/۱۰/۱۷) به صورت یک درک واقعی و ارتباط حقیقی با امام زنده، ادعاهای واهی نظیر اینکه «من خدمت حضرت می‌رسم یا صدای ایشان را می‌شنوم» را رد می‌کند (خامنه‌ای، ۹۰/۴/۱۸ ب) و معتقد است این ادعاهای واهی از دو حال خارج نیست؛ نخست کسانی که از اساس دروغ می‌گویند و دنبال دکان‌داری و فریب‌کاری هستند. «ادعای رؤیت، ادعای تشریف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، این‌ها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسان‌های پاک‌نهاد ممکن است مشوب کند» (خامنه‌ای، ۸۷/۰۵/۲۷ الف). این دروغ‌ها موجب می‌شود مردم از انتظار واقعی و آماده‌گر بازماندند و به افراد یا گروه‌های سوءاستفاده‌گر بگردند.

حالت دیگر، این است که فرد مدعی، قصد فریب‌کاری ندارد؛ بلکه سرگرم تخیلات شده و خودش هم باور کرده که با امام زمان ارتباطی ویژه یافته است. رهبر حکیم توضیح می‌فرماید که «ما کسانی را دیدیم آدم‌های دروغ‌گویی نبودند؛ اما خیال می‌کردند، تخیل می‌کردند، تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل می‌کردند» (خامنه‌ای، ۹۰/۴/۱۸ الف). مدعیان پندارزده نیز به شکلی دیگر موجب سرگرمی مردم می‌شوند و ممکن است آن‌ها را از ارتباط واقعی و قلبی با امام منصرف کنند و مانع از گسترش انتظار واقعی در جامعه شوند.

ارتباط ویژه افراد خاص با امام زمان امکان‌پذیر است و نمی‌توان آن را انکار کرد؛ اما کسانی که به این توفیق معنوی دست می‌یابند یک ویژگی برجسته دارند و آن اینکه هیچ‌گاه ادعا نمی‌کنند و شرح توفیقات شخصی و خصوصی خویش را در رابطه با امام زمان برای دیگران بازگو نمی‌کنند.

ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند، اهل گفتن نیستند، اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری می‌کنند به این وسیله، انسان

می تواند به طور قطع و یقین بگوید این ها دروغ گو هستند، مفتری هستند (خامنه‌ای، ۸۷/۰۵/۲۷ الف).

بنابراین نشانه دروغ بودن ادعاهای دیدار و گفت و گو و ارتباط ویژه با امام عصر علیه السلام این است که شخص این مسائل را به زبان آورد و برای دیگران باز گو کند. جنبش تفکر نو^۱ یک جریان معنوی نوظهور است که در قرن نوزده و در کشور آمریکا شکل گرفت. تفکر نو، آینده جهان را سرشار از صلح و آرمش و ثروت و سلامتی می بیند؛ جهانی که نه با حضور منجی فرستاده از سوی خداوند، بلکه با نیروهای درونی انسان و هم افزایی میان انسان ها خلق می شود. جریان هایی که تحت عنوان تفکر نو، شناخته می شوند و بر نیروی ذهن و قدرت های درونی بشر تأکید دارند، از این گونه اند.

تفکر نو از نیروی نامحدود درون یا خدای درون^۲ سخن می گوید و می گوید که ذهن ما می تواند بر کائنات اثر بگذارد و ما هر چه را می خواهیم به سوی خود و در زندگی جذب می کنیم. ثروت، سلامتی، رفاه و همه چیز با ذهن یعنی با تصورات ما و احساس داشتن آن ها به سوی ما جذب می شود (برن، ۱۳۸۹، ص ۱۳). مروجان این تفکر معتقدند که با یک بینش عمیق معنوی، نیروی بی کران درون انسان را کشف کرده و فهمیده اند که انسان خالق زندگی خود است و هر چه می خواهد می تواند با نیروی تصور و استفاده از قانون جذب به دست آورد. ما به سوی عصر جدید^۳ حرکت می کنیم که آخرین مرز ذهن است و آینده ای سرشار از نیروهای بی نهایت نوع بشر پدید خواهد آمد (برن، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱). در صورت ایمان آوردن به نیروی نامحدود درون و استفاده از قانون جذب و قدرت ذهن و احساسات مثبت، هر کس به زندگی مورد خواست خود خواهد رسید و به این ترتیب انسان ها با کمک هم جهانی را می آفرینند که همه در آن به بهترین خواسته های خود می رسند. چنین جهانی سرشار از سلامتی و سرسبزی و رفاه و صلح و

1. New Thought movement.
2. Inner God.
3. New age.

لذت و آرامش و شادی است و خالق این زندگی، انسان‌هایی هستند که نیروی بی‌کران را درون خود کشف کرده‌اند (ردفیلد، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶). البته این رازی است که ثروتمندان و سرمایه‌داران بزرگ جهان کشف کرده‌اند و برای تغییر جهان و رسیدن به جهان آرمانی باید راه آن‌ها را در پیش گرفت (برن، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

کلیسای شیطان^۱ یکی از جریان‌های شیطان‌گرایی است که نگاه ویژه‌ای به آینده جهان دارد. این جریان به دست آنتوان لاوی^۲ پایه‌گذاری شد و مهم‌ترین منبع آن، انجیل شیطان^۳ است. در این کتاب، بخشی با عنوان «شواهدی از یک عصر جدید شیطانی»^۴ وجود دارد که رویکرد کلیسای شیطان درباره آینده جهان را بیان می‌کند. لاوی ذیل این عنوان بیان می‌کند که به زودی همه انسان‌ها با تبعیت از اصل لذت و کنار گذاشتن احساس گناه، موفق می‌شوند زندگی سرشار از لذت و شادی را برای خودشان ایجاد کنند. او معتقد است تا کنون شیطان‌پرستان در میان ثروتمندان بوده‌اند. با وجود انسان‌های قدرتمند و کامیاب، جهان دگرگون می‌شود و از شادی و لذت لبریز می‌گردد (LaVey, 1969). با این وصف می‌توان گفت که منجی جهان دارای نفس لذت‌جو است و با ظهور این قابلیت درونی، جهانی آرمانی و آینده‌ای طلایی تحقق خواهد یافت.

با توجه به مواردی که ذکر شد، به طور کلی دو نوع مدعی در رابطه با مهدویت و منجی جهانی وجود دارد. کسانی که منجی را به صورت یک فرد مطرح می‌کنند، نظیر آنچه در جریان رائلینان، فالون دافا یا عرفان حلقه دیده می‌شود و دیگر جریان‌هایی هستند که منجی جهانی را به صورت جمعی معرفی می‌کنند. این جریان دوم معمولاً استفاده از نیروهای نهفته بشری و شکوفایی استعدادهای انسانی را سبب تحولات جهانی و پایان رنج‌ها و بحران‌ها می‌داند.

جریان‌هایی که فردگرا هستند، ممکن است ادعاهای خود را مستقیم مطرح کنند و

-
1. Church of Satan.
 2. Anton Szandor LaVey.
 3. The Satanic bible.
 4. Some Evidence Of a Satanic New age.

فرد مشخصی را دارای دانش یا قدرتی فوق العاده و قادر بر تغییر جهان را تغییر دهد، معرفی نمایند. حالت دیگر، این است که فرد مورد نظر یا اطرافیان او به طور غیر مستقیم او را معرفی می کنند؛ به طوری که مقدماتی را پیش می کشند و مورد تأکید قرار می دهند. نتیجه این مقدمات باور به برخورداری شخص مورد نظر از نیرو و دانشی است که می توان با آن، جهان را تغییر داد و بشریت را از بحران های کنونی نجات بخشید.

در دامنه جریان های فردگرا مجموعه ادعاهایی وجود دارد که افرادی را به عنوان رابط یا نایب امام زمان عج معرفی کنند. این افراد، قرار نیست امام زمان یا منجی موعود باشند؛ ولی از جهت لیاقت و ارتباط خاصی که میان آن ها و مهدی موعود ادعا می شود، امتیازات غیر واقعی یافته و نوعی دکان داری معنوی (خامنه ای، ۸۷/۰۵/۲۷ الف؛ ۸۷/۹/۲۴ هـ) در مورد آن ها شکل می گیرد. این افراد ممکن است از روی عمد و به قصد فریب مردم چنین ادعاهایی را مطرح کنند یا از روی ناآگاهی و تخیل دچار چنین لغزشی بشوند. این افراد نیز به نوعی جریان های معنوی نوظهور را ایجاد می کنند و گاهی اسم و رسم خاصی برای آن بر نمی گزینند.

جریان های معنوی نوظهور جمع گرا معمولاً در جامعه، اثر گذارتر هستند و چون شخص خاصی را به عنوان منجی موعود معرفی نمی کنند، بیشتر مورد اعتماد قرار می گیرند. آن ها بر این تأکید می کنند که اگر می خواهید جهان تغییر کند، باید هریک از ما خودش را تغییر دهد و نیروها و قابلیت های درونی اش را برای اصلاح جهان به کار گیرد. در نهایت اگر افراد بشر به اندازه کافی چنین تغییراتی را در خود ایجاد کنند، شاهد تغییرات کلان در جهان خواهیم بود. این افراد تحول یافته می توانند، اثر تحول نیافتن دیگران را از بین ببرند و سایر موانع تغییر جهان را از میان بردارند. جریان هایی مثل تفکر نو با تأکید بر کشف خدای درون و جریان کلیسای شیطان با تأکید بر هماهنگی با شیطان درون هر دو بشارت عصر جدیدی را می دهند که با ظهور آگاهی معنوی تازه ای آغاز خواهد شد و زمانی که تعداد زیادی از انسان های روی زمین متوجه شوند که نیروی نامحدود درونی برای خلاقیت، شاد زیستن و لذت بردن در درون آن هاست، آن گاه تغییرات آغاز می شود و بحران ها و رنج های زمین پایان می یابد. این جریان ها

معمولا سرمایه‌داران بزرگ را به عنوان الگوهای موفق شاد زیستن و لذت بردن از زندگی معرفی می‌کنند و آن‌ها را برخوردار از یک زندگی آرمانی و رویایی می‌دانند. بنابراین ادعا می‌کنند اگر دنباله‌رو آن‌ها باشیم و اصول زندگی و موفقیت را از آن‌ها بیاموزیم، به هدف رسیده‌ایم و جهان را تغییر خواهیم داد.

رهبر معظم انقلاب، بر اساس باورهای مستحکم تشیع، بر فرد منجی تأکید می‌کند؛ ولی در عین حال، نقش جامعه و تحولات فردی و اجتماعی را برای زمینه‌سازی ظهور در نظر می‌گیرد. وی معتقد است معنویت‌های نوظهور یا عرفان‌های کاذب نه تنها راهی برای تحولات جهانی نمی‌گشایند، بلکه فلج‌کننده هستند و نمی‌گذارند، نظام سلطه جهانی با مقاومت و مبارزه مردم، از بین برود. برخلاف جریان‌های جمع‌گرا که تداوم و تحکیم نظام سرمایه‌داری را راه نجات جهان می‌دانند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر عزم مردم برای تغییر نظام ظالمانه سرمایه‌داری غرب تأکید کرده، آگاهی مردم جهان و به ویژه جوانان اروپا و آمریکا را سرآغاز تحولات جهانی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به رویکرد رهبر معظم انقلاب و سه رویکرد دیگر به انتظار پرداخته شد. این رویکردها بر اساس نوعی معنویت استوار هستند و قطعا با توجه به اینکه توانسته‌اند پیروانی را جمع کنند، از جاذبه‌هایی برخوردارند. این سه رویکرد عبارتند از:

یکم. رویکرد معنوی متحجرانه که بر یأس سیاسی استوار است و نوعی آرامش در سایه سکوت و سازش با ستم و بی‌عدالتی را تجویز می‌کند و تلاش برای برقراری عدالت را تا پیش از ظهور، بیهوده می‌پندارد. این جریان در چارچوب تفکر شیعی شکل گرفته، ولی با روح ظلم‌ستیز و حماسی شیعه ناسازگار است؛ از این رو تنها در قلمرو محدودی از مردمان عافیت‌طلب و با تبلیغات و هزینه‌های زیاد می‌تواند دوام آورد. این رویکرد، عدالت را می‌ستاید؛ ولی امید را کنار می‌گذارد و آن را به آرزویی دور دست و گسیخته از عمل فرومی‌کاهد.

دوم. رویکرد شخص‌گرا در معنویت‌های نوظهور مبتنی بر شور و هیجان اعتقاد به

منجی بودن اشخاصی است که ادعای خود را آشکار کرده و فرارسیدن ظهور و پایان انتظار را بشارت می‌دهند؛ افرادی که آمده‌اند دنیا را متحول کنند و پس از مدتی ناتوانی آن‌ها آشکار می‌شود. این جریان‌ها در شورآفرینی سرعت و شدت بالایی دارند و معمولاً با همین سرعت هم افول می‌کنند. در نهایت، هم امید و هم عدالت‌طلبی در این‌گونه جریان‌ها معنای خود را از دست می‌دهد و پیروان پس از مدتی متوجه می‌شوند که مورد سوءاستفاده معنوی و عاطفی قرار گرفته‌اند و ابزاری برای قدرت‌طلبی، ثروت‌اندوزی و ارضای تخیلات دیگران بوده‌اند.

سوم. رویکرد جمع‌گروی در معنویت‌های نوظهور بر این اصل استوار است که انسان‌ها می‌توانند با هم‌افزایی و تغییر ارزش‌ها و باورهای خود، نیرو و امیال درونی را به کار گیرند و با تجربه هرچه بیشتر، لذت و شادی خود و جهان را تغییر دهند. این دیدگاه چه هنگامی که از خدای درون سخن می‌گوید (شبه جنبش تفکرنو) و چه زمانی که با نام شیطان به میان می‌آید (شبه جنبش کلیسای شیطان)، دنیایی شدن و لذت‌طلبی و قدرت‌های سرمایه‌داری را می‌ستاید. به این ترتیب، آرمانی همچون عدالت‌طلبی را به دست فراموشی می‌سپارد و لذت‌طلبی را شاخص آینده‌طلایی و نجات جهان از رنج می‌داند.

رویکرد معنوی رهبر انقلاب به انتظار، از آن رو که با خط روشنی از استکبارستیزی و درگیر شدن امیدوارانه با نظام سلطه همراه است، برنامه روشنی برای اهداف امیدوارانه ارائه می‌دهد که بر پایه انتظار در تفکر شیعی استوار است. در مکتب تشیع انتظار حقیقی، بر امید، معنویت و ظلم‌ستیزی تکیه دارد و به گوشه‌نشینی و سکوت فرامشی خواند و در تعارض با رویکرد انتظار گوشه‌گیرانه و سلطه‌پذیرانه‌ای قرار می‌گیرد که مبتنی بر یأس سیاسی است. انتظار از منظر رهبر معظم انقلاب، امید و ظلم‌ستیزی را برجسته می‌سازد و از این رو نوعی جاذبه ذاتی برای اکثریت مردم جهان دارد؛ کسانی که تحت سلطه و ستم هستند و امید برقراری عدالت دل‌های آن‌ها را به تپش می‌اندازد. به نظر می‌رسد مردم از این رویکرد مبتنی بر باور به منجی مشخص و زنده، جامعه‌گرا، معنویت‌گرا، امیدبخش و مبارزه‌جو استقبال خواهند کرد.

فهرست منابع

۱. اسپیلکا، برنارد. (۱۳۹۰). روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی. محمد دهقانی. تهران: رشد.
۲. ایمان، محمد تقی. (۱۳۹۴). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. برن، راندا. (۱۳۸۶). راز (مترجم: نفیسه معتکف). تهران: لیوسا.
۴. پارگامنت، کنت. (۱۳۹۵). درمانی آمیخته با معنویت (مترجم: سیدمحمد حسینی و سجاد مطهری). تهران: آوای نور.
۵. پترسون، مایکل. (۱۳۷۷). عقل و اعتقاد دینی (مترجم: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ دوم). تهران: طرح نو.
۶. پرود福特، وین. (۱۳۹۳). تجربه دینی (مترجم: عباس یزدانی، چاپ سوم). قم: کتاب.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹ الف). بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹ ب). پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ الف). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ ب). بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ ج). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ د). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ هـ). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹). بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰ الف). بیانات در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰ ب). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). بیانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجو» برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۶. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۴). چهل حدیث (اربعین حدیث) (چاپ پنجاه‌ونهم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه).

۲۷. ردفیلد، جیمز. (۱۳۷۶). دهمین مکاشفه (مترجم: ناهید تبریزی). تهران: جانان.
۲۸. شاکری زواردهی، روح‌الله. (۱۳۸۷). منجی در ادیان. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۲۹. طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۷). انسان از منظری دیگر. تهران: موتیف.
۳۰. طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۹). چند مقاله. تهران: تحفه.
۳۱. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۷). روش‌شناسی مطالعات دینی (چاپ سوم). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. لی، هنگجی. (۱۳۸۶)، جوآن فالون (مترجم: بی‌نام، چاپ دوم). قم: ابتکار دانش.
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار (ج ۲۳، چاپ سوم). تهران: صدرا.
۳۵. مظاهری سیف. حمیدرضا. (۱۳۹۴). نقش علم معنویت در تمدن نوین اسلامی. نشریه آیین معنویت. (۴۲)، صص ۲۹-۷۳.
۳۶. نصرتی، شعبان. (۱۳۹۷). معناشناسی قلب در قرآن. قم: دارالحدیث.
۳۷. نلسون، جیمز. ام. (۱۳۹۵). روان‌شناسی دین و معنویت (مترجم: مسعود آذربایجانی و امیر قربانی). تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۸. وریلهون، کلود. (۱۹۷۵م). پیامی که انسان‌های کرات دیگر به من دادند (مترجم: مؤسسه رایلیان). تهران: پارس بوک.
39. LaVey. A. (1969). *The Satanic Bible*, published by feral House, Washington.